

حکم فقهی تجسس در تلفن همراه همسر

ام‌البین صیدانلو*

محمدصادق فاضل**

چکیده

حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر فرد است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت او به آن وارد نشوند. تجسس در حریم خصوصی افراد حرام است؛ و خداوند متعال، در آیات و روایات مختلف انسان را از تجسس در حریم دیگران نهی کرده است؛ همچنین عقل هم جستجو در حریم شخصی دیگران را ظلم به فرد می‌داند. یکی از مصادیق این حریم تلفن همراه است که هیچ کس حق ندارد بدون اجازه صاحب آن در آن جستجو کند؛ اما در مورد زن و شوهر که شریک زندگی هستند و روابط عاطفی بین آنها برقرار است آیا می‌توانند بدون اجازه دیگری در آن جستجو کنند؟ این مقاله، به روش تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی و حقوقی به این نتیجه دست یافته است که: هیچ یک از همسران نباید در تلفن همراه همدیگر که یک وسیله شخصی و جزء حریم خصوصی اوست، تفحص کند؛ و هیچ یک از دو دلیل ارتباط شدید عاطفی بین زن و شوهر، و قیمومیت مرد بر خانواده نمی‌تواند حرمت تجسس را تخصیص بزند.

کلیدواژه: تجسس، تلفن همراه، حریم خصوصی.

* دانش‌آموخته سطح سه، حوزه علمیه خاوران، قم. sidanlo1396@gmail.com

** استاد سطح عالی حوزه علمیه، قم، ایران. M-60_sfazel@yahoo.com

مقدمه

انسان اشرف مخلوقات و شایسته احترام است، «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (اسراء: ۷۰). پس باید کرامت، عزت و امنیت او حفظ شود.

یکی از ملزومات حفظ کرامت و عزت انسان آن است که به حریم خصوصی او تجاوز نگردد. از این رو، خداوند تعالی هر کاری که مستلزم هتک حریم خصوصی انسان باشد را ممنوع می کند و می فرماید: «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا؛ (نور: ۲۷) در خانه‌هایی غیر از خانه‌های خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید.» از این آیه و آیات مشابه برداشت می شود که تجسس در حریم خصوصی دیگران حرام است.

تجسس در لغت به معنای خبر جستن، خبر خواستن و خبر پرسیدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۸). این کلمه به معنای پیگیری از امور مردم است، اموری که مردم عنایت دارند، پنهان بماند و توان را پیگیری کنی که خبردار شوی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۴/۱۵).

تجسس، فی نفسه مذموم است؛ رسول خدا (صلی اله علیه وآله و سلم) می فرمایند: بدترین مردم کسانی هستند که گمان بد می برند و تجسس می کنند و بدترین تجسس کاران کسانی هستند که آن را می گویند و بدترین گویندگان کسانی هستند که بهتان می زنند (نوری، بی تا: ۳۱۸/۹).

تلفن همراه یکی از مصادیق حریم خصوصی است و در عرف و جامعه امروز، یک وسیله شخصی محسوب می شود. از این رو، از دیدگاه عرف، کسی حق ندارد بدون اجازه، در موبایل دیگری تجسس کند و حتی به آن نگاه بیندازد.

بنابراین، تجسس در تلفن همراه دیگران عقلاً قبیح و شرعاً حرام است. اما سؤال اینجاست که آیا می توان برای این قبح و حرمت تجسس، استثناء قائل شد. برای نمونه،



می‌توان به زوجین اجازه داد که گوشی تلفن همراه یکدیگر را بدون اجازه واریسی کنند. از آنجایی که روابط عاطفی شدیدی بین زن و شوهر وجود دارد و این ارتباط امکان به دست آوردن اطلاعات شخصی هریک از آنها را در برابر دیگری آسان می‌کند، در این صورت شاید چنین تصور شود که هریک از زن و شوهر، می‌تواند بدون اجازه دیگری به تلفن همراه او سرک بکشد. بنابراین، این مقاله درصدد است بعد از بیان حکم فقهی تجسس در حریم خصوصی، به نقد و بررسی ادله‌ای پردازد که ممکن است بتوان با آن حکم کرد به جواز ورود زن و شوهر به حریم خصوصی یکدیگر.

۱. حکم فقهی تجسس در حریم خصوصی دیگران

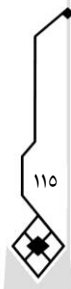
حریم در لغت عرب از ریشه حَرَمٌ، به معنای چیزی است که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۲/۳) حریم در فقه نیز به معنای منع است؛ یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۴۱/۶؛ صدر، ۱۴۱۷: ۹۹/۵)

خصوصی، مقابل عمومی و در لغت به معنای مخصوص فرد یا عده معین اختصاصی، ویژه شخص، محرمانه، غیر علنی و صمیمی آمده است (انوری، ۱۳۸۱: ۴/ذیل واژه).

بنابراین، در تعریفی جامع، حریم خصوصی «قلمرویی از زندگی هر شخصی است که آن شخص عادتاً یا با اعلام قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند، یا بر آن نگاه و نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته، یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند» (ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی).

۱-۱. نظر فقیهان درباره حریم خصوصی

حریم زندگی خصوصی در اسلام به رسمیت شناخته شده است و هر چند که تحت این عنوان مطرح نگردیده، ولی مقولات و مسائل آن، با مبانی متعدد و محکم مورد حمایت قرار گرفته است. (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۰۰)



موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، یک موضع به اصطلاح تحول‌گرایانه است؛ یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر منع تجسس، تفتیش، سوء ظن، اشاعه فحشا و خیانت در امانت و ... حمایت شده است. حمایت از نفس، حمایت همه جانبه است که همه حقوق و آزادی‌های او را در بر می‌گیرد (حسان، ۱۴۳۰: ۱۵).

از نظر فقیهان، تجسس در مسائل شخصی و خانوادگی، حتی در مفاسد اخلاقی افراد، توسط هیچ شخص یا ارگانی جایز نبوده و مصداق اشاعه فحشا است. اگر کسی بر اثر تجسس بر رازی از رازهای زندگی داخلی مردم آگاه شود، نباید آن را افشا کند و اگر آن را افشا کند و موجب زیان مالی یا آبرویی کسی شود، صرف نظر از گناهی که کرده، باید آن زیان را جبران نماید (اردبیلی، ۱۳۶۲: ۴۱۷؛ خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷/۱۴۵). به عنوان نمونه، میرسید علی حائری می‌گوید: «لا تجسسوا» در آیه "یا ایها الذین آمنوا... ولا تجسسوا...؛ (حجرات: ۱۲)" به معنای این است که دنبال لغزش‌های مؤمنان نروید و از عیوب مسلمین که آن‌ها را پوشانیده‌اند بحث نکنید. (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۱/۲۰۰). امام خمینی (رحمة الله علیه) در این زمینه می‌فرماید: «تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار به طور مطلق ممنوع است و سؤال از افراد به اینکه چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سوالات شود، مخالف اسلام است و تجسس‌کننده معصیت کار محسوب می‌شود. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلامی و خلاف شرع مطهر ممنوع شود» (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷/۱۴۵). و نیز می‌فرماید: «رفتن و جاسوسی کردن و تجسس نمودن خلاف اسلام است» (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷/۱۱۸).

در شریعت اسلام تجاوز به حریم خصوصی مردم، تجسس و کنجکاوی در آن، و اشاعه و انتشار اسرار آن گناه محسوب می‌شود و علاوه بر مجازات دنیوی، عقاب اخروی نیز دارد. یکی از مختصات حوزه خصوصی این است که انسان می‌تواند آن را از دید دیگران بپوشاند، به نحوی که هیچ شاهدی او را نبیند و هیچ ناظری بر او نظارت نداشته باشد. حال اگر کسی به این حریم تجاوز کند و بدون اطلاع و اذن شخص به مشاهده زندگی خصوصی او بپردازد، علاوه بر عقاب اخروی در دنیا نیز مجازات می‌شود؛ مجازاتی

که گاه به از دست دادن نعمت بینایی منجر می شود (عبدالباقی، ۱۴۲۴: ۴۶۰).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م، در مقوله خودشناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال پذیر آنان را که حق خلوت و حق در سایه آن، جزو این حقوق است، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می داند و اعلام می دارد که اساساً حقوق اساسی را باید با تدوین و اجرای قانون حمایت کرد.

و نیز در ماده ۳ اعلامیه فوق اعلام می دارد، «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شغلی دارد» و منبع اصل حق خلوت در ماده ۱۳ اعلامیه مزبور مقرر شده است؛ این ماده اعلام می دارد «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد».

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۰ م، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر است که حق خلوت را به رسمیت شناخته و کشورهای طرف میثاق را به احترام و تضمین آنها مکلف نموده است. ایران هم به این میثاق بین المللی پیوسته است.

به رسمیت شناختن این حق به این صورت قابل توجیه است که اگر هر انسانی بر تمامیت شخصی خود حاکم و مالک نباشد، لاجرم باید این امر در حوزه و صلاحیت تصرف شخص یا اشخاص دیگری باشد. چنین حکمی از یک سوترجیح بلا مرجح بوده که قبیح است؛ و از سوی دیگر با اصل آزادی اولیه انسان تنافی خواهد داشت. برای تحقق این اصل لازم است که به خلوت دیگران احترام گذاشته شود. احترام به «حق خلوت و حریم خصوصی» به گسترش ارزش های انسانی و نیز تأمین حیثیت و عظمت اعضاء جامعه کمک می کند و محترم بودن حریم خصوصی یکی از خواسته های افراد در جامعه است که بدون آن، بدگمانی و ناهنجاری در روابط افراد جامعه، و نیز تنزل اخلاق، بر جامعه حکم فرما خواهد شد. (اصلائی، ۱۳۸۴: ۳۴)



۱-۲. ادله حرمت تجسس در حریم خصوصی

بنابر آیات قرآن و روایت معصومان (علیهم السلام) و حکم عقل، یکی از مهم‌ترین عوامل تعرّض به حریم خصوصی تجسس است. حریم خصوصی قلمروی است که اصولاً متعلق به شخص انسانی است و کسی حق ندارد در آن دخالت کند. بنابراین، تجسس در حریم خصوصی دیگران ممنوع است.

۱-۲-۱. آیات

تنها آیه‌ای که در قرآن مجید با صراحت نهی از تجسس می‌کند آیه ۱۲ سوره حجرات است می‌فرماید: «يا ايها الذين آمنوا اجنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند». معنای آیه این است که آنچه از مسلمانان بر شما ظاهر است، بگیرید و درباره اسرار و عورات آنها جستجو نکنید؛ یعنی هیچ یک از شما از عیب برادرش، بعد از آنکه خداوند آن را پوشانده، فحص و جستجو نکند تا بر او آشکار شود (قرطبی، ۱۴۲۰: ۳۳۲/۱۶). نصر بن محمد در تفسیر «لا تجسسوا» می‌گوید: یعنی از عیوب برادران دینی خود بحث نکنید (سمرقندی، بی تا: ۳/۳۲۸). در واقع، با بیان «لا تجسسوا» هر نوع کنکاش و جاسوسی در امور دیگران را نهی می‌کند. ابن ابی حاتم نیز به پیروی از ابن عباس مراد از تجسس را دنبال عیوب برادران دینی و ایمانی رفتن می‌داند (ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۱۰/۲۳۰۵). وهبه زحیلی هم در تفسیر خود تجسس را به معنای بحث از عیوب مسلمین و کشف آن چه می‌پوشانند و اطلاع از اسرار مسلمین می‌داند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۶/۲۵۵).

از دو آیه دیگر نیز حرمت ورود به حریم خصوصی دیگران و حرمت تجسس برداشت می‌شود: آیه «يا ايها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم حتى تستأنسوا وتسلموا على أهلها ذلكم خير لكم لعلكم تذكرون؛ (نور: ۲۷) ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و

ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید.» و آیه «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا هُوَ أَزْكىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور: ۲۸) و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید و چون (به خانه ای درآمدید و) گفتند: برگردید، به زودی بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می کنید داناست.» این دو آیه گویای آن هستند که ورود بدون اجازه به منزل دیگران ممنوع است. این امر نشان دهنده آن است که منزل حریم خصوصی افراد است و دیگران بدون اجازه حق ورود به حریم خصوصی دیگران را ندارند.

۲-۱-۲. روایات

علاوه بر آیاتی که بر حرمت تجسس دلالت دارد، روایات فراوانی نیز وجود دارد که بر نکوهش این مورد دلالت می کند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

الف. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از بد گمانی نسبت به دیگران پرهیزید، آن سخن که بر پایه سوء ظن و گمان بد گفته شود، دروغ ترین سخن است. در کارهای علنی و مخفی دیگران تجسس نکنید و کنجکاو نشوید و درباره همدیگر افشاگری نکنید و نیز مبادا نسبت به همدیگر کینه و حسد داشته باشید و یا پشت سر هم نزیید بلکه بنده خدا باشید و نسبت به همدیگر با برادری رفتار کنید. (انصاری قرطبی، ۱۹۶۶: ۳۳۱/۱۶)

ب. همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: هر کس در نامه برادر خود بدون اجازه بنگرد مانند آن است که در آتش نگریسته است (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵۹/۹).

ج. زراره از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که آن بزرگوار فرمودند: نزدیکترین مرزها به کفرو بی دینی آن است که انسان لغزش های برادر دینی خود را شناسایی کند و به یاد سپارد تا روزی آن را فاش نموده و به رخ بکشد (کلینی، ۱۳۷۹: ۳۲۴/۵).

د. محمد بن مروان روایت می کند که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: سه دسته از افراد در روز قیامت دچار عذاب الهی خواهند شد. ایشان بعد از ذکر دسته اول و دوم، فرمودند: «از جمله، کسانی که به مکالمه دیگران گوش دهند در حالی که آنان به این کار

رضایت ندارند، به گوش‌های چنین کسانی در قیامت سرب گداخته خواهند ریخت» (عروسی الحویزی، ۱۳۷۰: ۹۳/۵).

تعدد روایات در این بحث، آن را به حد مستفیضه رسانده است، از این رو، وجود یک یا دو روایت ضعیف در بیان آنها، خدشه‌ای به مدلول روایات وارد نمی‌کند.

۲-۱-۳. اجماع

علاوه بر آیات و روایت ذکر شده، فقیهان شیعه بر حرمت تجسس اجماع دارند. فاضل جواد به این اجماع تصریح می‌کند و می‌گوید: «نهی از تجسس در کتاب و سنت وارد شده است و همچنین برای آن اجماع وجود دارد» (فاضل جواد، ۱۳۶۵: ۳۴۸/۲).

۲-۱-۴. عقل

حرمت تجسس از عقل نیز استفاده می‌شود؛ به این تقریر:

ظلم کردن در نزد عقل قبیح است؛ و عقل ظلم را مذمت کرده و او را مستحق عقاب می‌داند. قبیح ظلم یک مستقل عقلی است، یعنی عقل به طور مستقل بدون توجه به حکم شرع، حکم به قبیح و ناروا بودن ظلم می‌کند (مظفر، بی‌تا: ۱۶۴/۳ و ۱۷۵). در فقه امامیه ظلم به معنای جور و تعدی از حق به باطل آمده است (خمينی، ۱۳۶۱: ۴۱۶/۱). فقیهان نیز در فقه بر اساس ظلم بودن یک مسئله، گاهی فتوا به وجود حکم تکلیفی مثل حرمت و گاهی حکم وضعی مثل ضمان می‌دهند (عبدالمنعم، بی‌تا: ۳۱۱/۲). تجسس از حریم اسرار دیگران را می‌توان به حکم عقل از مصادیق ظلم دانست؛ بنابراین فردی که به هر طریق ممکن تجسس از حریم خصوصی افراد می‌کند، به حکم عقل ظالم بوده، محکوم به حکم تکلیفی و وضعی ظلم خواهد بود (حائری، ۱۳۷۷: ۱۳۴).

دلیل عقلی دیگر برای حرمت تجسس از حریم خصوصی افراد، اصل عدم ولایت می‌باشد. تجسس و مراقبت از دیگران و افشای اسرار و عیوب آنها نوعی تصرف و اعمال ولایت در شؤون و امور آنهاست، و اصل مقتضی عدم آن است. بدین معنا که اصل عدم ولایت اقتضاء دارد که هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد که از احوال و اوضاع او خبر بگیرد، مگر اینکه برای این کار، دلیل خاص داشته باشد. بر این اساس، به مقتضای این

اصل اولیه عقلانی، هیچ کس مجوز تجسس از امور دیگران را ندارد، مگر اینکه دلیل بر خروج آن داشته باشیم (حائری، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

۲. ورود زن و شوهر به حریم خصوصی یکدیگر

بنابراینچه در گذشته مطرح شد، ثابت گردید که تجسس در حریم خصوصی دیگران جایز نیست و در این مسئله تفاوت نمی کند که چه کسی وارد حریم خصوصی شخص دیگری می شود. اما شاید تصور شود به دلیل ارتباط تنگاتنگی که بین زن و شوهر وجود دارد، زن و شوهر از حکم حرمت تجسس تخصیصاً خارج هستند. برای اثبات این مدعا دو دلیل می توان ارائه داد، یکی شریک زندگی بودن زن و شوهر است و دیگری قوامیت مرد برای زن. در ادامه، هر دو دلیل را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲. عدم نقض حریم خصوصی به دلیل شریک زندگی بودن

ازدواج (نکاح) يك میثاق محکم است «مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱) که به موجب آن زن و مرد با هم شریک و متحد می شوند و خانواده ای را تشکیل می دهند. خداوند متعال نیز در این مورد می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت ادله ای (از علم و حکمت حق) آشکار است «هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه جنسی نیست، بلکه رسیدن به يك آرامش جسمی و روانی است؛ «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۹۰/۷).

ازدواج از نظر اسلام سنت و مستحب تعبیر شده است. علت اساسی آن این است که ازدواج و گزینش همسر، انتخاب مطلوب ترین همراه و ترسیم روشن ترین طریق سعادت و پاسخی مناسب به عالی ترین نیاز فطری انسان یعنی وصول به کمال و سعادت است، و به این معنا حضرت علی (علیه السلام) اشاره فرمود: هیچ يك از یاران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ازدواج نکرد، مگر اینکه ایشان پس از ازدواج آنان فرمود:



ایمانش کامل شد. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۴/۱۵۰) گویی انسان یک نوع کمال روحی دارد که آن کمال روحی جز در مدرسه خانواده در هیچ مدرسه‌ای کسب نمی‌شود (مطهری، ۱۳۷۵: ۱/۲۴۹).

زندگی مشترک، یعنی یک قرارداد محکم بین دو نفر برای به اشتراک گذاشتن زندگی-شان. در قرآن از ازدواج به عنوان «پیمانی محکم» یاد شده است. (نساء: ۲۱) و جملاتی که در عقد ازدواج و هم‌زمان با آن از سوی یک طرف گفته می‌شود و طرف مقابل نیز آن را می‌پذیرد، نشان از استواری این پیوند دارد (مجلسی، ۱۳۵۴: ۱۰۰/۲۶۷-۲۶۹). پیمان زناشویی محکم‌ترین قرارداد اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از دوستی شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست که قرآن به آن اشاره کرده است (روم: ۲۱). آنها کنار هم قرار می‌گیرند تا مایه آرامش یکدیگر شوند و رابطه دوستانه آنها از هر رابطه دیگر عمیق‌تر گردد.

در روابط اعضای خانواده، دو جلوه از حریم خصوصی، یکی حریم زوجین و دیگری حریم فرزندان دیده می‌شود. یکی حریمی که زن و شوهر نسبت به دیگران دارند و افراد دیگر حق ورود بدون اجازه به این حریم را ندارند و دیگری حریمی که زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند و برای ورود به آن حریم باید اذن ورود داشته باشند. اما روابط عاطفی عمیق میان زوجین، امکان دستیابی به اطلاعات شخصی هریک از همسران را در برابر دیگری آسان می‌کند.

زن و شوهر بعد از تعهدی که بستند با محبت و احترام نسبت به هم و برای رفع نیازهای یکدیگر در زیر یک سقف زندگی می‌کنند؛ و در شادیها و ناراحتیهای همدیگر شریکند؛ و با هم تلاش می‌کنند تا نسلی پاک را تربیت کنند؛ و در کنار هم پله‌های ترقی را طی کنند تا به کمالی که شایسته آن هستند، برسند؛ اما در این میان نمی‌توان انکار کرد که هر انسانی مستقل از دیگران است. این استقلال به این معناست که هریک از زن و شوهر به تنهایی برای خود حریمی دارد که مخصوص به خود اوست.

در نگاه اول، شاید انسان تصور کند که در زندگی مشترک چون تعهدی که بین آنهاست، حریم خصوصی جایی نداشته باشد؛ اما اگر بیشتر دقت شود، نمی‌توان این نظر را قبول داشت؛ زیرا داشتن حریم خصوصی به معنی بی‌احترامی به همسر و خانواده

نیست. بلکه به این معناست که هر یک از افراد خانواده با اینکه به هم احترام و ارزش می‌گذارند، باید قبول داشته باشد که فطرتاً هر کسی برای خود خلوتی دارد که دیگران نباید به آن وارد شوند؛ زیرا حق هر فردی است که برای خود حریم شخصی داشته باشد. همان‌طور که گفته شد: «لازم است که به خلوت دیگران احترام گذاشته شود. احترام به حق خلوت و حریم خصوصی، به گسترش ارزش‌های انسانی و نیز تأمین حیثیت و عظمت افراد جامعه کمک می‌کند و محترم بودن حریم خصوصی یکی از خواسته‌های آنها در جامعه است که بدون آن، بدگمانی و ناهنجاری در روابط اعضای جامعه و نیز تنزل اخلاق، بر جامعه حکم فرما خواهد شد.» (اصلائی، ۱۳۸۴: ۳۴) این در مورد خانواده که جامعه کوچکی است هم صدق می‌کند.

همسرانی که تفاوت‌های یکدیگر را در قالب حریم شخصی می‌پذیرند، خواه ناخواه شریک زندگی خویش را در چارچوب حریم فردی اش آزاد و راحت می‌گذارند. همسری که حریم شخصی اش در زندگی مشترک رعایت شود، آرامش مطلوب و خوشایندی را به دست می‌آورد و از بابت این امر آرامش نسبی در زندگی مشترک خویش خواهد داشت. از سوی دیگر، همسری که با ازدواج و تشکیل زندگی مشترک فردیت و حریم شخصی خود را از دست بدهد، احتمال اینکه رضایت قابل توجهی از زندگی با همسرش حاصل نماید ضعیف خواهد بود. این وظیفه هر همسری است که حریم شخصی همسر خود را رعایت کند؛ زیرا همسری که حریم خصوصی اش را در زندگی از دست بدهد نه فقط او، بلکه شریک زندگی و در نهایت فرزندان نیز از این بابت متضرر شده و آسیب‌هایی را متحمل خواهند شد (خیاط فدردی، ۱۳۹۴: ۶۳).

بنابراین، زندگی مشترک و ارتباط عاطفی بسیار نزدیک زن و شوهر، نمی‌تواند دلیلی برای تخصیص حکم حرمت تجسس در حریم خصوصی دیگران، برای ورود زن و شوهر به حریم خصوصی یکدیگر باشد.

۲-۲. عدم نقض حریم خصوصی به دلیل ریاست مرد

خانواده، یک واحد کوچک اجتماعی است و اداره آن، مانند یک اجتماع بزرگ نیازمند مدیریت و رهبری واحد است؛ زیرا مدیریت جمعی که زن و مرد در آن مشترک



باشند، بی‌معناست (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۴۰۶). به حکم عقل نیز هر اجتماعی باید سرپرست و مدیری داشته باشد تا با ایجاد نظم، ثبات و هماهنگی بین اجزاء آن را به سوی هدف مورد نظر هدایت کند. بر این اساس خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نظام اجتماعی و هسته نخستین جوامع بشری نیازمند سازماندهی و مدیریت مطلوب است تا با اتکا به آن اهداف خانواده سامان یابد (پورعبدالله، جیل زاده، ۱۳۹۳: ۲۹).

در دین مبین اسلام، ادله فراوانی بر قیومیت مرد بر خانواده دلالت دارند؛ از جمله: الف. قرآن تصریح می‌کند که مدیریت خانواده، به عهده مرد است: *الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ* (نساء: ۳۴) مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است.

ب. در روایات فراوانی بر این مسئله تأکید شده است. برای نمونه، در روایتی، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «خدا رحمت کند مردی را که میان خود و زنش روابط حسنه برقرار کند، زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را موظف به سرپرستی وی ساخته است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۷۰).

ج. در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی آمده است که «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است»

هرچند زوجین با هم‌فکری می‌توانند مشکلات خانواده را بهتر حل کنند. صادقی، مظاهری و موتابی (۱۳۹۲) در پژوهشی چنین به نتیجه رسیده‌اند که با افزایش تعامل مثبت بین زوج‌ها مهارت حل مسئله و مذاکره بیشتر رخ می‌دهد. همچنین در حالی که تعامل منفی زوج‌ها پیش‌بینی‌کننده منفی برای انجام مهارت تصمیم‌گیری است. از سوی دیگر نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد زوجینی که از توانمندی مهارت‌های حل مسئله/مذاکره و تصمیم‌گیری و مرور خاطرات خوب برخوردار بودند، میزان سازگاری زناشویی بیشتری نیز داشتند.

در هر صورت، بنا بر ادله، ریاست و سرپرستی خانواده با زوج (زوجی که شایستگی و صلاحیت اخلاقی داشته باشد) است. البته گستره ریاست شوهر فقط امور مربوط به خانواده و مصالح آن را شامل می‌شود (مقدادی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

از این رو، منظور از قیومیت مرد، اجازه دادن به مرد در جهت خودکامگی و تضييع حقوق زن نیست؛ بلکه قرآن در عین حالی که از نظر مدیریتی، مرد را بر زن ترجیح داده، بر

حقوق متقابل زن نیز تأکید می‌نماید و می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِمْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلِيمَهُنَّ دَرَجَةً» (بقره: ۲۲۸) و برای زنان، حقوق شایسته‌ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است، و مردان را بر آنان [به خاطر کارگزاری، و تدبیر امور زندگی در امر میراث و دیه، گواهی در دادگاه و غیر این امور حقوقی] افزون‌تر است». این سخن، بدین معناست که همان‌طور که حقوقی برای مرد وضع شده که زن باید آن را رعایت کند، زن نیز حقوق مختلفی بر مرد دارد که رعایت آن بر وی لازم است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۴۰۶).

قوام بودن به معنای مدیریت بر مبنای حکمت و مصلحت برای تدبیر بهتر خانواده می‌باشد و تکلیفی است که بردوش مرد نهاده شده تا زن و فرزندان خود را در حمایت و حفاظت خود به شکلی شایسته سرپرستی کند (یوسفیان، ۱۳۸۷: ۱۸).

بر این اساس، قوامیت مرد هیچ‌گاه جوازی بر تعرض به حقوق و آزادی‌های مشروع زن و محدوده استقلال او نمی‌شود؛ از همین رو، می‌توان گفت: ریاست شوهر به طور مطلق جواز نقض حریم خصوصی زوجه را ایجاب نمی‌کند و در نتیجه، مجوزی برای مرد بابت تجسس در گوشی همسر نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

انسان موجودی اجتماعی است؛ و دوست دارد همیشه با دیگران در ارتباط باشد به خصوص در این زمان که مسیر ارتباط کوتاه شده است و شبکه‌های ارتباطی مختلف به آسانی در اختیار انسان قرار دارد. از سوی دیگر، هر فردی برای خود حریمی دارد که دوست ندارد دیگران از آن با خبر شوند. به عبارتی حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر فرد است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت او به آن وارد نشوند. یکی از مواردی که جزء حریم خصوصی فرد شمرده می‌شود گوشی تلفن همراه یا موبایل است که یک وسیله ارتباطی است و فرد مایل نیست هیچ کس در آن تجسس کند؛ زیرا کسی حق ندارد در حریم خصوصی دیگران تجسس کند.

فقیهان و حقوقدانان تجسس در حریم خصوصی افراد را حرام می‌دانند؛ زیرا خداوند متعال، در آیات مختلف ما را از تجسس در حریم دیگران نهی کرده است؛ و روایات



زیادی نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیه السلام) وارد شده که از تجسس در امور دیگران بر حذر داشتند و عقل هم جستجو در حریم شخصی دیگران را ظلم به فرد می داند.

این حکم، حتی بین همسران که روابط عاطفی برقرار است و خیلی راحت می توانند بر حریم یکدیگر دسترسی داشته باشند، نیز ثابت است؛ زیرا شریک زندگی بودن، به معنی همراه بودن دو نفر در مسیر رسیدن به کمال و ایجاد نسلی پاک است که فقط با این دو بال می توان به این هدف رسید؛ و شریک زندگی بودن با اصل استقلال و آزادی دو طرف منافات ندارد؛ و همسران به بهانه شریک زندگی بودن نمی توانند در تلفن همراه همدیگر تجسس کنند. همچنین، ریاست و قیومیت مرد، زمینه ساز اعطای حق مدیریت خانواده به مرد و وجوب اطاعت زن از مرد در اداره امور خانوادگی است. اما باید توجه داشت که بی تردید، ریاست مرد بر زن، مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه محدود است به مقررات شرعی و اخلاقی و مقید است به رعایت حقوق متقابل زن و وظایف مشترکی که هر یک از مرد و زن در تحکیم بنیاد خانواده به عهده دارند؛ و به معنای تضييع حق زن نیست. پس، هیچ یک از همسران نباید در تلفن همراه همسرش که یک وسیله شخصی و جزء حریم خصوصی اوست تفحص کند.



منابع

• قرآن

۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق). کتاب الجرح و التعديل، بیروت، بی‌نا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع و دار صادر.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۳۶۲). زبده البيان، تهران، عطایی.
۴. اصلانی، حمیدرضا، (۱۳۸۴). حقوق فناوری اطلاعات، تهران، نشر میزان.
۵. امانی، رزیتا، (۱۳۹۴). «مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال دهم، شماره ۳۱، صص ۴۱-۵۲.
۶. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، (۱۹۶۶م). الجامع الاحکام القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۷. انصاری، باقر، (۱۳۸۴). حمایت از حریم خصوصی، تهران، معاونت پژوهشی و تنقیح قوانین ریاست جمهوری.
۸. انوری، حسن، (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
۹. پورعبدالله، کبری و جیل زاده، سمانه، (۱۳۹۳). «حل تزام حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هفدهم، شماره ۶۶.
۱۰. تنظیم خانواده. (۲۰۱۷م). «چه مواردی جزء حریم خصوصی زوجین است»، (تاریخ دسترسی: ۱ فروردین ۱۳۹۹)، <https://www.tanzimekhanevadeh.com/wedlock/3779>.
۱۱. حائری تهرانی، سید علی، (۱۳۷۷). مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۱ق). وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
۱۳. حسان، احسان الرحمن (۱۴۳۰ق). حقوق الانسان فی الشریعة الاسلامیه، قاهره، مکتب الشروق الدولیه.
۱۴. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



۱۵. خیاط فدردی، علی، (۱۳۹۴). حریم خصوصی انسان از دیدگاه قرآن و روایات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - دانشکده علوم قرآنی مشهد.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۱). لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ق). اصول الفقه الاسلامی، دمشق، بی نا.
۱۸. سمرقندی، نصر بن محمد، (بی تا). بحر العلوم، ط ۱، بیروت، دارالفکر.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، داورى.
۲۰. صادقی، منصوره السادات، و مظاهری، محمد علی، و موتابی، فرشته، (۱۳۹۲). «نقش تعامل زوجین در کاربرد مهارت های ارتباطی»، خانواده پژوهی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۷۳-۱۸۸.
۲۱. صدر، سید محمد، (۱۴۱۷ق). ماوراء الفقه، ج ۵، بیروت، دارالاضواء.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. عبد الباقي، محمد فؤاد، (۱۴۲۴ق). اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان، قاهره، دارالحديث.
۲۴. عبد المنعم، محمود عبد الرحمن، (بی تا). معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، قاهره، دارالفضیلة.
۲۵. عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۳۷۰). تفسیر نورالثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. فاخری، علیرضا و منتظری، محمد حسین، (۱۳۷۸). اخلاق خانواده، تهران، نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۷. فاضل جواد، جواد بن سعید، (۱۳۶۵). مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام، تصحیح محمد تقی کشفی و محمد باقر شریف زاده، تهران، مرتضوی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق). العین، قم، هجرت.
۲۹. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹). اصول کافی، تهران، انتشارات اسوه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۵۴). بحار الانوار، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران،

کتابفروشی اسلامیة .

- ۳۲ . مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ق). روضة المتقين، قم، مؤسسه کوشانپور.
- ۳۳ . محسنی، فرید، (۱۳۸۹). حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- ۳۴ . محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۳). تحکیم خانواده، قم، دارالحدیث.
- ۳۵ . مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- ۳۶ . مظفر، محمدرضا، (بی تا). اصول الفقه، ج ۳، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- ۳۷ . مقدادی، محمد مهدی، (۱۳۸۵). ریاست خانواده (بررسی ماده ۱۱۰۵ ق.م)، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ۳۸ . موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب.
- ۳۹ . موسی زاده، ابراهیم و مصطفی زاده، فهیم، (۱۳۹۱). «نگاهی به مفهوم مبانی حق بر حریم خصوصی افراد»، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- ۴۰ . مهریزی، مهدی، (۱۳۹۰). شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۱ . نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
- ۴۲ . یوسفیان، نعمت الله، (۱۳۸۷). مدیریت در خانه و خانواده، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

